

# موزه‌ی مدرسه

تأثیرات مادی و اجتماعی مخاطرات طبیعی و خطرهای ناشی از فناوری هستند. در موزه‌ی می‌توان با آرایش و بازنمایی منابع، فعالیت‌های تعاملی و نمایشگری‌ای که معمولاً در مدارس به آن‌ها دسترسی نیست، برای دانش‌آموزان تجربه‌های یادگیری فراهم کرد که آمادگی آن‌ها را برای مقابله با خطرات افزایش دهد. محققان معتقدند که برای افزایش انگیزه کودکان در برنامه درسی به شیوه‌های آموزش رسمی و غیررسمی نیاز است. برخی تحقیقات هم نشان می‌دهد که موزه‌ها روش غیررسمی و مؤثری برای آموزش علوم به کودکاند. حتی برخی کشورها، مانند زلاندنو، که در معرض مخاطرات طبیعی مانند زلزله هستند، از موزه‌هایی با همین موضوع برای آشنایی بچه‌های مدرسه با زلزله و نحوه مواجهه با آن استفاده می‌کنند. پیش‌نیاز این کار آن است که مدرسه‌ی از حالت قفس بپردازد و با جامعه بیوند بخورد. مدرسه‌ای که خود را در محتواهای پسته و محدود برنامه درسی رسمی گرفتار کرده است و دانش‌آموزان را در معرض هیچ تجربه‌ای فراتر از آن قرار نمی‌دهد، نه تنها آنان را از فضای پر از تجربه‌های یادگیری بیرون از محیط مدرسه محروم می‌کند بلکه برنامه درسی را هم در چنبره کتاب درسی گرفتار می‌سازد و نمی‌گذارد که از منابع سرشار موزه‌ها در دروس مختلف مانند علوم، علوم اجتماعی و سایر مواد درسی استفاده شود. در بعضی از مدارس ایرانی به دلایل بسیاری، که فعالیتی را که خارج از مدرسه باشد، مانع تحقق برنامه درسی رسمی و موجب تلف شدن وقت

«موزه مؤسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان گشوده است و برای جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. هدف موزه‌ها تحقیق در آثار و شواهد به جا مانده از انسان و محیط‌زیست او، گردآوری و حفظ این آثار و ایجاد ارتباط بین آن‌ها، بهویژه به نمایش گذاشتن آن‌ها بهمنظور بررسی و بهره‌وری معنوی است.» این تعریف که در بند ۳ و ۴ اساسنامه شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) آمده است، جامع‌ترین تعریف از موزه بهنظر می‌رسد.

موزه‌ها از دیرباز محلی برای نگهداری میراث تمدن و هنر ملل به شمار می‌آمداند. ملت‌ها با نگهداری آثار و بقایای گذشتگان خود، که نشان از فرهنگ و تمدن آن‌ها دارد، سعی در بازماندگان میراث خود به آیندگان دارند. پیش از این، موزه‌ها محلی بودند که علاقه‌مندان به یک موضوع خاص، از همه اقسام جامعه، برای بازدید به آنجا می‌رفتند ولی این روزها مدارسی که از حالت قفس در آمده و به جامعه بیوند خورده‌اند، از موزه‌ها به عنوان مکمل برنامه درسی استفاده می‌کنند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، بازدید از موزه‌ها مکمل برنامه درسی محسوب می‌شود. در برخی از کشورها بازدید از موزه بخش مهمی از برنامه آموزش علوم مدرسه است. البته با توجه به اینکه کارکرد مدرسه و موزه با یکدیگر متفاوت است، بسیاری برای همگرایی این دو مکان تلاش کرده‌اند. موزه‌ها مکان‌هایی هستند که افراد در آنجا آزادانه جستجو می‌کنند؛ حال آنکه برنامه درسی مدرسه، واحد چارچوب و قالب مشخصی است و انعطاف کمتری دارد.

گفته می‌شود موزه‌ها منبع اطلاعات درباره

می‌دانند. بنابراین، در آغاز باید این دیدگاه تعديل شود و معلم، مدیر، والدین و بچه‌ها به محیط‌های بیرون از مدرسه، از جمله موزه‌ها، به عنوان منابع یادگیری و مکمل برنامه درسی نگاه کنند. دیگر اینکه باید چگونگی بهره‌وری از محیط‌های غنی خارج از مدرسه را بیاموزند و از فرصتی که در سفرهای تفریحی، گردش‌های علمی و بازدید از موزه‌ها برای آن‌ها فراهم می‌شود، به خوبی استفاده کنند. امروزه بسیاری از مدارس کشورهای توسعه‌یافته، موزه‌ها را مکمل برنامه درسی می‌دانند.

تفاوت این دو نگاه را می‌توان در یادداشت زیر دید. نویسنده کتاب «۱۹۷۰ روز در شماره شش زان بارت» که روزگاری در پاریس رایزن فرهنگی بوده است، نمایشگاهی درباره پوشش اقوام ایرانی ترتیب می‌دهد و گزارش زیر حاصل دیدار دو گروه ایرانی و فرانسوی از این نمایشگاه است. دیداری که بیانگر دو نگاه متفاوت به مجموعه‌های خارج از مدرسه مانند موزه‌ها و نمایشگاه‌هاست.

«آدام فورد و میریام معلم‌هایی بودند که در روزهای مختلف، دانش‌آموزان کلاس‌های ابتدایی را برای بازدید از نمایشگاه به خانه فرهنگ آورده‌اند. پذیرایی ساده‌ای پیش‌بینی شد. بچه‌ها آمدند و وارد سالن شدند؛ همه سرایا گوش و مانند اعضای یک ارکستر، نگاهشان به چشمان رهبر ارکستر بود. آرام کنار هر اثر می‌ایستادند. دفترچه و قلمی در دست داشتند و یادداشت می‌کردند. بازدید بچه‌ها پیش از یک ساعت به درازا کشید. دیدن چند عروسک در سالنی کمتر از نواده متر به مدت یک ساعت یعنی دقیق و ایستادن پای هر عروسک و خواندن همه نوشته‌ها. پس از پایان بازدیدهای فردی، همه نشستند و جلسه به قول ما «پرسش و پاسخ»، آغاز شد. برخی از بچه‌ها هنگام بازدید سؤالاتی را یادداشت کرده بودند. پرسش‌ها بسیار جالب بود. یکی از بچه‌ها از تعداد استان‌های ایران پرسید. دیگری از تنوع قومی و نژادی، و دیگری از اینکه آیا از این پوشش‌ها همچنان استفاده

#### \* منبع

- ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۹۳). ۱۹۷۰ روز در شماره شش زان بارت؛ نشر ثالث. تهران

می‌شود یا نه. دانش‌آموز دیگری از منابع تحقیق پرسید. دیگری از دوره‌های مختلف تاریخی ... جلسه بسیار به درازا کشید. پس از پایان [پرسش‌ها] به سراغ میز پذیرایی رفتند. فردای آن روز آموزگار با تعداد زیادی نفاشی آمد. بچه‌ها برداشت خود را به همراه تقدیر از خانه فرهنگ از نمایشگاه نفاشی کرده بودند. پس از دیدن این صحنه‌ها، با مدرسه ایرانی سعدی تماس گرفتیم، مدرسه با بی‌میلی این بازدید را پذیرفت. بچه‌های ایرانی همیشه درس دارند و همیشه عقب‌اند.

خلاصه، روز موعود رسید. بچه‌ها آمدند. سروصدای و دادوییداد. همه بازدید چند دقیقه بیشتر به درازا نکشید. عروسک‌ها توجه هیچ‌کس را به خود جلب نکرد. هجوم به میز پذیرایی ... و هیچ‌کس سؤالی نداشت.

... آن روز این پرسش برایم پیش آمد که چرا؟ ... منطق آموزش در ایران و فرانسه با هم متفاوت است. در فرانسه بخش زیادی از وقت آموزشی برای رفتن به موزه‌ها، رفتن به سینما و دیدن هدفمند نمایش، می‌گذرد. بچه‌ها آداب زندگی را می‌آموزند، شنا و هنر یاد می‌گیرند.

به موزه رفتن، تابلو دیدن، رنگ و فرم را فهمیدن و فیلم سینمایی را نقد کردن جزء دروس آن‌هاست. در اینجا ماز پرورش غافل‌گیم. در خیلی از موزه‌ها، مانند زرث پمپیدو، بسته‌هایی پیش‌بینی شده که دانش‌آموزان با موسیقی و صوت، تفکیک رنگ تابلوها را می‌آموزند ... اما فرزندان ما آیا موزه رفتن و تابلو دیدن را می‌آموزند؟ پس برای رونق فرهنگ و هنر و پرشدن سالن‌های سینما و نمایشگاه‌ها و رونق یافتن بازار هنر باید فرزندان را آموزش داد. باید برای آموزش و پرورش طرحی از نو در افکند.».